



حاج مهدی سلحشور

عاشورای ما عاشورای خمینی است

گفتگو با حاج مهدی سلحشور

بعد از عملیات کربلای پنج بود، آدم تو سوله، دیدم نوار شیخ حسین انصاریان را گذاشته‌اند. بچه‌ها همه منقلب‌اند و میخ گوش کردن‌اند. صدا از کسی در نمی‌آید. شیخ حسین داشت از شهیدی می‌گفت که درست مثل شهید جعفر... خانواده فاسدی داشت و از آن فضا آمده بود. آمده بود جبهه و شهید شده بود. تو آن نوار، شیخ حسین داشت نامه‌های آن شهید را می‌خواند که از یک مجله کمک خواسته بود برای حفظ خودش از فساد. آن نوار خیلی ما را تحت تأثیر قرار داد. از نوارهایی بود که تا مدت‌ها همراهم بود و مرتب گوش می‌کردم. جذاب بود.

این قسمت از صحبت‌های حاج مهدی سلحشور از اینجا شروع شد که عکس‌های تو انافش توجه‌مان را جلب کرد و از او پرسیدیم: بهترین عکسی که تو انافت از رفقای شهیدت نصب می‌کنی کدام است؟

- به نظر شما تفاوت الگوی مداحی در دوران دفاع مقدس و بعد از آن چیست؟

توی جنگ، این سبک و سیاق فعلی مداحی نبود. ما یک سبک سنتی داشتیم که از قدیم رایج بود. نقطه آغاز سبک‌های جدید مداحی را می‌توان سال‌های ۶۲ و ۶۳ دانست که افرادی مثل حاج منصور ارضی و محمدرضا طاهری مبلغ آن بودند. در زمان جنگ فرصتی به آن صورت نبود که به مداحی تخصصی و نظام‌مند نگاه شود. سبک حماسی بعد از جنگ شروع به رشد کرد. حتی آقای آهنگران هم بعد از جنگ خواندن را کنار نگذاشت، اما شروع کرد به تغییر سبک. ایشان آن موقع محور بود و الان هم اسطوره‌ای است در باب سبک حماسی دفاع مقدس ما. ایشان در زمان جنگ شور و احساس خاصی در رزمنده‌ها و مردم ایجاد می‌کرد. که کم‌نظیر بود. ایشان هم بعد از جنگ روش‌هایش را عوض کرد؛ چون اقتضات زمان جنگ دیگر نبود. این تغییر روش به این معنا نیست که بگویم روح حماسه دیگر در روضه‌ها و مداحی‌هایمان نیست. نوعش عوض شده است. زمان جنگ به صورت مصادافی می‌رفت سوی خود جنگ، اما بعد از جنگ رفت سوی ابعاد وجودی حضرت امام حسین(ع) و امر به معروف و نهی از منکر اقتضات جامعه امروز که هرچه باشد. عرصه جهان آن روز با جهان امروز تفاوت پیدا کرده است. روضه‌ها و مداحی‌ها و حماسه‌خوانی هم مطابق با اقتضات امروز شده است.

بعد از جنگ، فرهنگ غالبی که بر مداحی‌ها حاکم شد، سبک و سیاق خاصی بود. برخی حماسی بودند و برخی حالت مناجاتی داشتند. حماسه در همه ابعاد وجودی امام حسین(ع) موج می‌زد. البته در خواندن‌های قدیمی‌ها ما زیاد می‌بینیم. مثلاً شروع می‌کردند قصیده‌ای را می‌خواندند، ابعاد وجودی حضرت را می‌گفتند، ابعاد حماسی را می‌گفتند، سینه هم می‌زدند. روح حماسی‌خوانی در خواندن‌های آنها موج می‌زند و هیچ وقت تغییر نکرد. الان هم این روند را دارند.

- چرا عده معدودی از هیئت‌ها و مداح‌ها سعی می‌کنند به گونه‌ای جلوه کنند که از انقلاب و نظام و شهدا جدا هستند؟

به اعتقاد من خطر اصلی زمانی بود که عده‌ای با نقشه قبلی و خیلی رنگ و لعاب‌دار و حرفه‌ای، موضوع جدایی دین از سیاست را در مداحی‌ها حاکم کردند. این جریان از سال ۷۵ - ۷۶ شروع شد. اینها مثلاً سیاسی‌بازی را با اصل سیاست قاطی کردند! آمدند اول یک استقلالی برای هیئت‌ها قائل شدند و برخی هم پرچمدار این قصه شدند و یک استقلالی قائل شدند و سعی کردند رابطه هیئت با نظام و انقلاب را کمرنگ کنند. احساس می‌کنم این فضا برایشان موجود شد! چون تا فضا موجود نباشد، یک تفکر و اندیشه نمی‌تواند رشد بکند. بسترش هم، بد عمل کردن ما بود. کم‌کم امام را دعا نمی‌کردند! آقا را دعا نمی‌کردند! از شهدا هیچ نمی‌گفتند! وقتی از آنها سؤال می‌کردند که مثلاً چرا از امام و آقا و شهدا چیزی نمی‌گویید، می‌گفتند: ما مجلس را سیاسی نمی‌کنیم. این نقطه انحراف (به اعتقاد من) آنجا بود. ما عاشورایی را قبول داریم که امام خمینی(ره) آورد؛ عاشورایی که امام خمینی(ره) نیاورد را ما اصلاً قبول نداریم. عاشورایی را که جریان ایجاد نکند، بگذار در کوزه آبش را بخور. همان قضیه اذان گفتن و آن انگلیسی است که گفت: اگر برای ما ضرری ندارد، بگذار اذان بگوید. البته در نقطه مقابل این عده، خیلی از مداح‌ها هستند که یاد و نام شهدا در مجالس‌شان زنده است و اول و آخر مجلس با نام و یاد شهدا کلید می‌خورد.

درباره رابطه جنگ با عاشورا و مسیری که عاشورا برای جنگ ما رقم زده بود، بفرمایید؟
دفاع مقدس، چیزی جز الگوگیری از کربلا نبود. ایستادن در برابر ظلم را ما از کربلا یاد گرفته‌ایم. بچه‌های ما تفکراتشان را از قیام عاشورا گرفته بودند. جنگ، مسیر زیبایی ایجاد کرده بود. اصلاً تمام نیروهای ما از هیئت‌ها برمی‌خواستند و به جنگ می‌آمدند. دقیقاً عاشورای ما عاشورایی بود که وصل به عاشورای مورد نظر امام(ره) بود؛ عاشورایی که جریان ایجاد می‌کرد، سال چهل و دویش، ایام انقلابش، جنگش. امام حسین(ع) را می‌توان در هر مقطع زمانی الگوی خود قرار دهیم. باید ببینیم تکلیف‌مان چیست و کدام بعد وجودی آن حضرت وظیفه ما را نشان می‌دهد. اعتقادمان این است که شهدا مردانه پای امام حسین(ع) ایستادند. اگر واقعاً می‌خواهیم پیرو امام حسین(ع) باشیم، باید مثل شهدا زندگی کنیم و از فضایل شهدا که با امام حسین ممزوج شده بود، استفاده کنیم. هرکس می‌خواهد به شهدا برسد، باید مثل شهدا زندگی کند. امام حسین(ع) این را می‌خواهد. تواضع، ایثار، ساده‌زیستی و هزار و یک صفت خوب را می‌توان از شهدا گرفت. اگر بگویم زمان جنگ بچه‌ها هشت سال در کربلا بودند، اغراق نکردم. واقعاً کربلا بود. خودم یکی از علت‌هایی که تا بیست و پنج سالگی ازدواج نکردم این بود که فکر نمی‌کردم زنده بمانم. می‌گفتم ما رفتنی هستیم و حتماً باید شهید بشویم. خود این فضا می‌شود کربلا. این فضا، فضایی است که در آن جای رشد مرثیه‌خوانی زیاد است؛ در این فضا جای رشد مرثیه‌خوانی به مراتب بیشتر از مدح‌خوانی است؛ یعنی در فضای شهادت. توی جبهه مثلاً یک نفر کتاب دعای توسل می‌گرفت، صدا داشت یا نداشت، بلد بود یا نبود، ده نفر را در چادر دور خودش جمع می‌کرد و شروع می‌کرد یک چیزی زمزمه کردن و خواندن. زمان جنگ، هر گردانی مثلاً یکی دو تا مداح داشت. این‌جوری نبود که همه مداح داشته باشند.

فرآیند مداحی در جنگ چطور می‌افتاد؟

این فرآیند در زمان جنگ هم پیاده می‌شد. جلسات آنسی بود که در سنگرها و چادرها بود. این هیچ وقت قطع نمی‌شد.

- اخلاق بچه‌هایی که در زمان جنگ مداحی می‌کردند با بچه‌هایی که الان مداحی می‌کنند چه تفاوت‌هایی دارد؟
بعد از جنگ، خط مقدمی نبود که مداح را ببینی چه کار می‌کند، اما حال و هوا و اخلاق مداح را که می‌توان دید، مردم تشخیص می‌دهند این مداح اهل دکان باز کردن نیست، اخلاقش، مردمداری، تواضع، ساده‌زیستی. اینها ملاک خوبی است.

زمان جنگ یک مداح خودش در خط اول می‌رفت، شهید می‌شد. شجاعتش، ایثارش، با بچه‌ها بودنش، خاکی بودنش، ساده بودنش، نماز شب خواندنش، شب‌زنده‌داری‌اش و حرف‌زدنش که توی چشم بود. خود این موجب می‌شد که مستمع اگر الگوگیری هم کرد، یک الگوگیری صحیح باشد.

واقعاً کربلا قاموس همه خوبی‌ها از یک‌طرف، از طرف دیگر هم زشتی‌ها در سوی دیگر است. هم صفحه‌آرایی این طرف آب دادن به اسب هست، آن طرف آب دادن به بچه هم نیست، فکر نمی‌کنید به هر حال برای خود شما هر سال، چیز تازه‌ای کشف شود؟ مثلاً روضه حضرت علی(ع) را، شما هر سال می‌خوانید، سال دیگر برایتان یک پرده دیگری از همین اتفاق به ظاهر کوچک، برداشته بشود؟ یعنی به یک معرفت دیگری برسید، امسال همان روضه را می‌خوانید، ولی نگاه یک جور دیگری باشد؟

بله، خیلی اتفاق افتاده و این را من جزو آن جوشش و تفضّل می‌دانم، قطعاً هم بی‌حکمت نیست، قطعاً هم اسراری پشت این قصه نهفته است. بالاخره ثقلین هستند، آن طرف قرآن را علامه طباطبایی فرمودند هر باری که من قرآن می‌خوانم یک نکته جدید برداشت می‌کنم. مسلماً این طرف هم اگر صحیح ارائه بشود و به اصطلاح روح آدم هم دنبالش باشد مسلماً این جلوه‌ها برایش نمود و بروز دارد. خیلی برایم اتفاق افتاده، مثلاً در حین خواندن نکته‌ای به زبانم آمده که پانزده سال است که دارم این روضه را می‌خوانم، اما به زبانم نیامده بود. هیچ منافاتی هم با اصل مقتل و تاریخ ندارد. آن نقطه ذوقی است که همه هم می‌پذیرند و تمام آن زیبایی‌های زبان خوب در آن نهفته است و خیلی وقت‌ها هم دیده‌ام مثلاً از بیان یک روضه نکات اخلاقی بعدها به ذهنم آمده که قبلاً اصلاً به ذهنم نیامده بوده است. می‌شود این را استفاده کرد. در این زمینه به نظر من هر کسی معرفتش بیشتر است، موفقیتش هم بیشتر است. رمز موفقیت بعضی از اساتید به اعتقاد من در همین نکته است؛ یعنی ارتباطشان قوی است با حضرت. حضرت

در زندگی‌شان موج می‌زند و جدای از زندگی‌شان نیست. اعتقاد بر این است که موضوع برمی‌گردد به نوع ارتباط با امام حسین(ع). چون این جوشش‌ها به اندازه ظرفیت است.

الان خیلی از این بچه‌های جبهه، پای روضه و مداحی شما می‌نشینند، هر سال هزاران نفر پای مرتبه‌های شما اشک می‌ریزند و خیلی‌ها غبطه به حال شما می‌خورند، که خدا این چنین مقامی به شما داده، حاضر بودید اینها را بدهید، در جبهه شهید بشوید؟

مسئلاً. یک شب شهید «جابری» را در خواب دیدم، می‌گفت: مهدی، اگر همه چیز را آقا به تو بدهد، هر چه که می‌خواهی به تو بدهد، شهید نشوی بیایی اینجا، باز هم باختی. شهید جابری از طلبه‌های خوب و مداح‌های خوب هم بود.

نظرتان درباره مداحانی که تا آگاهانه از لفظی استفاده می‌کنند که دور از شأن یک بچه شیعه است، چیست؟ عده‌ای عمدتاً می‌خواهند شور و احساسات مجلس را زیاد کنند. این شور و احساسات طوری می‌شود که گاهی خود شخص مداح خیلی متوجه نمی‌شود که چی دارد می‌گوید. آدم باید سوار بر کلام باشد که چه می‌خواهد بگوید. از تک‌تک آنهایی که مثلاً می‌گویند من حسین اللهی‌ام، پرسید، مسلماً بدون استئنا، صدرصد خواهند گفت که حسین(ع) عبد است و او هم مولا. مسلماً الان آنچه نصب‌العین ما باید باشد و تقریباً در تمام آفاتی هم که آقا می‌فرمایند این را به عنوان سرفصل قرار می‌دهند، وهن مذهب است؛ یعنی هر چیزی که موجب وهن مذهب می‌شود باید از آن اجراز بشود.

- شما زمان جنگ را درک کردید. خیلی‌ها هم پای روضه و مداحی شما بودند، به نظر شما اگر جنگی امروز صورت بگیرد همین جوان‌ها می‌روند سراغ شهادت، یا نه؟ یعنی این نسل می‌تواند استمرار آن نسل باشد؟

فضای الان را من به مراتب زیاتر از زمان جنگ می‌دانم. به اعتقاد من رویش‌ها به مراتب بیش از آن زمان است و ارزشش هم الان به مراتب بیش از آن زمان است. همان نکته‌ای که الان درباره اهل آخر الزمان و آنهایی که در عصر غیبت هستند روایت ما می‌گوید، یعنی فرقی که اهل غیبت با آنهایی که در محضر اهل بیت(ع) بودند دارند، ارزش اینها بیشتر است و قابل قیاس نیست اصلاً. جوانی که الان جنگ را ندیده، فقط یک چیزی شنیده، در آن فضا اصلاً نبوده، الان توانسته این‌طور خودش را نگاه‌دارد و در این مسیر دارد حرکت می‌کند، ارزشش به اعتقاد من اصلاً قابل قیاس نیست با رزمندگان آن زمان. جوانی بودیم که در آن فضا بزرگ شدیم، گردنه‌ها را رد کردیم، هجده سال، نوزده سال تمام شده و ازدواج کردیم، اما الان که دور و بر جوانان فساد ریخته، ولی توجهی به آن ندارد، این رویش به مراتب بیش از زمان جنگ است. ما در خانواده خودمان دو - سه تا رزمندگان بودیم، الان بیست‌تا، سی‌تا. همین قم با این عظمتش، قم در یک مقطع با اراک و ساوه و حتی قزوین و سمنان و... می‌شدند یک لشکر ۱۷ علی‌بن ابی‌طالب. اما الان هیئت خودمان یک تیپ است. یک دهه محرم بشود، یک لشکر می‌شود. چند تا از این لشکرها در این قم یا تهران و شهرهای دیگر ریخته. مطمئن هستم اگر جنگی بشود، امروز از تهران صدتا لشکر می‌شود جمع کرد. به اعتقاد من اصلاً این ارزش قابل قیاس نیست.

التماس دعا

هیئت منتظران حضرت مهدی(عج) - تویسرکان